

## دستیابی به «نازعات» اولین موشک ایرانی؛ ۱۳۶۶

به روایت سردار نامی: «همزمان با انجام عملیات‌های مقابله به مثل موشکی و با پیگیری‌هایی که خود سردار مقدم داشتند، در اواخر جنگ به یک سامانه موشکی و راکت ساخت داخل دست پیدا کردیم به نام راکت نازعات، که بردش بین 80 تا 120 کیلومتر است و با تلاش‌هایی که انجام داده بودند به 150 کیلومتر رسیده بود. از دلایل طراحی و ساخت این سامانه، کمک در کنار موشک اسکاد بود که بتواند با یک نواخت تیر بالا قدرت مقابله با جنگ شهرها را داشته باشد. موشک اسکاد، موشک گران قیمتی است و به لحاظ آماده‌سازی و کم و کیف پرتاب برای اهداف خاص استفاده می‌شود. ما بعضا اهدافی داشتیم با ابعاد گسترده که حتما نیاز به دقت یا قدرت انفجار زیاد داشت، منتها تنها سامانه‌ای که داشتیم همین اسکاد بود و لذا از همان مقطع، همزمان با فعالیت تحقیقاتی جهت ساخت موشک‌های اسکاد، ساخت سامانه‌های ارزان قیمت و دارای قدرت مانور بالاتر نیز آغاز شد، تا بتوانیم بعضی از اهدافی را که ارزش و اهمیت چندانی ندارد با آن سامانه مورد اصابت قرار بدهیم. همانجا تلاش و پیگیری برای ساخت و تولید موشک نازعات در اولین قدم طرح‌ریزی شد و در دستور کار قرار گرفت که ما در پایان جنگ، یعنی اواخر سال 1366 موفق شدیم به این سامانه دست پیدا

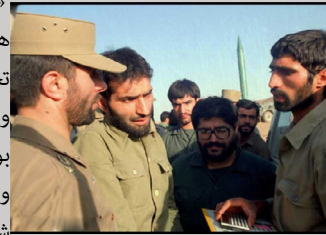


## موفقیت در ساخت شهاب ۳؛ ۱۳۷۷

روایت سردار «عباس خانی آرانی» جانشین فرمانده توپخانه و موشکی نیروی زمینی سپاه، از این اتفاق بدین ترتیب بود: «درست است که وزارت دفاع به عنوان واحد پشتیبانی کننده نیروهای مسلح در بحث ساخت موشک «شهاب 3» وارد می‌شود، اما عمده کارهای تحقیقاتی‌اش را شهید مقدم انجام داده بود. این شهید عزیز عقیده داشت نباید چیزی را دیگران بسازند و بعد آن را به ما بدهند. به عبارت دیگر می‌گفت اگر نیروهای مسلح ما درک کردند بنابر نوع تهدید به چه ابزاری برای مقابله نیاز دارند، باید برای تولید آن گام بردارند. زیرا متخصصان داخلی کشورمان از توانمندی و قدرت عمل بسیار بالایی برخوردار هستند».

## گزیده‌ای از سخنرانی سردار شهید طهرانی مقدم در سال ۱۳۸۷ در جمع پیشکسوتان توپخانه و موشکی سپاه:

«... برتری ارتش در دو بخش بود یکی در بخش‌های هوایی و هوانیروز و یکی توپخانه، ارتش حاضر نبود تحت هیچ شرایطی این برتری را از دست بدهد و وارد شدن ما به عرصه برتری ارتش خط ممنوعه‌ای بود که در آن زمام، شهید صیاد شیرازی با همت و مردانگی و عبق بلندی که داشتند این سد را شکستند و ما از کانال شهید صیاد شیرازی وارد عرصه توپخانه شدیم و به دستور شهید صیاد شیرازی وارد ارتش شدیم و اولین دوره عالی توپخانه را آموزش دیدیم و با مفاهیم توپخانه آشنا شدیم».



## شهادت

سردار حسن طهرانی مقدم تا روز آخر عمر نیز در ایجاد یک توان علمی و دانشی پایه و زیر بنایی مشغول کارهای علمی و تحقیقاتی بود و در روز شهادتش در یادگان امیرالمومنین (ع) شهرستان ملارد در حالی که برای آزمایش موشکی، آماده می‌شد، بر اثر انفجار زاغه مهمات، به یاران شهیدش پیوست.



## سردار شهید حسن طهرانی مقدم:

در بازدیدی که رهبر معظم انقلاب از مجموعه‌ی تشکیلات جهاد خودکفایی سپاه داشتند که زیر نظر حاج حسن آقا اداره می‌شد، دستی بر شانه‌ی این شهید گذاشتند و فرمودند:

«تاکنون هر قولی را که حاج حسن آقا به ما داد، وفا کرد»

تدوین و نشر:

نشریه دانشجویی سراج

صاحب امتیاز:

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی گیلان

## مسئولیت تطبیق آتش خمپاره‌ای سپاه در قرارگاه کربلا در عملیات طریق القدس؛ آذر ۱۳۶۰

حاج حسن بعد از عملیات ثامن‌الائمه، متوجه ضعف آتش پشتیبانی خودی مستقر در خطوط مقدم جنگ شد. مدت‌ها روی این موضوع فکر کرد و سرانجام در پاییز 1360 طرح ساماندهی آتش پشتیبانی (خمپاره‌اندازها) را به صورت سنجیده و مدون تقدیم حسن باقری کرد. نامه را محسن رضایی (فرمانده وقت کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) امضا کرد و تحویل حسن باقری داد و حسن باقری آن را به حسن مقدم داد.

حاج حسن نامه تایپ شده را خواند و دید طرح خودش درباره ساماندهی خمپاره‌اندازها به منظور پشتیبانی از نیروهای پیاده است. در نامه خطاب به فرماندهان قرارگاه قدس، نصر، فجر و فتح سپاه در جبهه‌های جنوب آمده بود: «برادر حسن مقدم به عنوان فرمانده پشتیبانی‌کننده آتش‌های خمپاره‌ای سپاه معرفی می‌شوند؛ لازم است با او همکاری کنید».



### روایت برادر شهید از شکل‌گیری توپخانه سپاه پاسداران

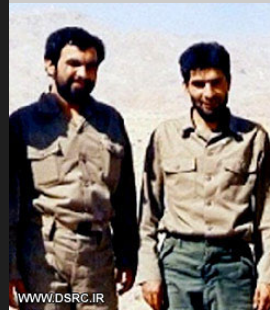
برخی دوستان زمانی که شنیدند یک جوان متعهد به عنوان فرمانده توپخانه انتخاب شده، خندیدند و برخی هم به تمسخر گرفتند و گفتند که نه توپ‌ی وجود دارد و نه توپخانه‌ای، اما برای توپخانه فرمانده گذشته‌اند

### تاسیس توپخانه سپاه؛ ۱۳۶۱

شهید حسن طهرانی‌مقدم این اتفاق را این‌گونه روایت می‌کند: «عملیات فتح‌المبین تمام شد. من در سپاه شوش وقتی گزارش را به آقا رشید می‌دادم، دیدم آقا رشید باخنده می‌گوید «مقدم برو توپخانه سپاه را سازماندهی کن. برو سراغ توپخانه».

## انتصاب به عنوان فرمانده موشکی نیروی هوایی سپاه؛ شهریور ۱۳۶۴

سردار محسن رضایی:



www.dsrg.ir

«جنگ شهرها که آغاز شد، صدام به شدت شهرهای ما را با موشک و بمباران هوایی مورد حمله قرار می‌داد و فشار خیلی زیادی روی ما می‌آمد. من یک روز برادر محسن رفیقدوست را که مسئول لجستیک سپاه بود خواستم و گفتم ما چاره‌ای نداریم جز اینکه جواب موشک‌ها را با موشک بدهیم، لذا ایشان را فرستادیم سوریه و لیبی و در آخر جنگ هم کره شمالی. بعد دیدم باید ساماندهی موشک‌ها را خودمان انجام دهیم. بعد از مشورت با برادران رشید، صفوی و شمخانی به این نتیجه رسیدم که فرد مناسب برای این کار حسن تهرانی است. ایشان را فراخواندیم و گفتیم توپخانه را بسیار به شفیع‌زاده و خودت با تیمی از دوستان یگان موشکی را تشکیل دهید. ایشان کمی به من نگاه کرد و چیزی نگفت. بعدها برادر جعفری مسئول زرهی سپاه به من گفت در سوریه که بودیم حسن به من گفت: برادر محسن از من خواسته تیپ موشکی تشکیل بدهم. توپخانه را می‌شد کاری کرد، ولی موشک‌ها خیلی پیچیده‌اند. به هر حال باید با توکل این کار را انجام دهیم».

## پایه‌گذاری قدرت موشکی

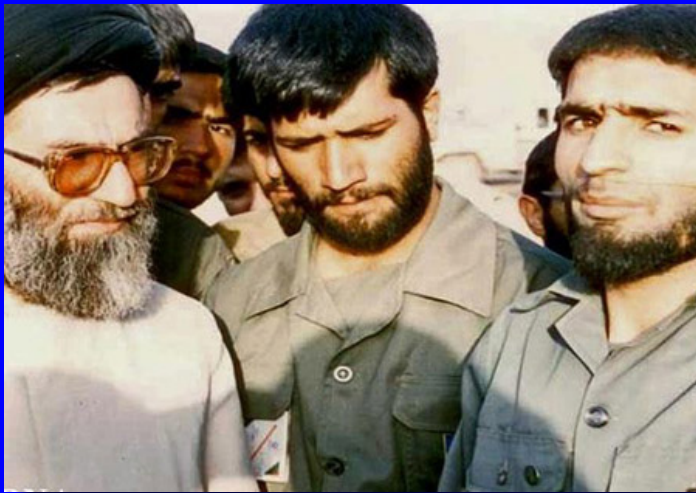


شفا

بعد از عملیات خیبر به شفیع‌زاده گفت با وجود تو و بچه‌های توپخانه دیگر نیازی به حضور من نیست و من بایستی بروم دنبال موشک تا دست امام در برابر توحش صدام خالی نباشد. او با انتخاب تعدادی از برادران توپخانه به سراغ رسالت جدید خود رفت و یک سالی طول نکشید که اولین موشک ایران در تاسیسات نفتی کرکوک فرود آمد (اسفند 1363).

صدام که کاملاً غافلگیر شده بود اعلام کرد که انفجار ناشی از خرابکاری بوده و ایران موشکی در اختیار ندارد.

موشک بعدی در بانکرافدین بغداد فرود آمد تا جایی برای انکار باقی نماند. با ادامه شراکت‌های صدام، سه موشک دیگر در همان ماه به بغداد پرتاب شد. دستیاری ایران به توان موشکی که ابتدا با خرید ودر ادامه با ساخت صورت گرفت و حاصل تلاش بی‌وقفه و شبانه‌روزی حسن و پاراناش بود موجب کنترل دامنه حملات صدام به شهرها و مناطق مسکونی شد.



## تلاش برای استقلال در صنعت موشکی؛ ۱۳۶۵

بعد از عملیات والفجر 8 و قبل از کربلا 4، لیبیایی‌ها در همکاری موشکی کارشکنی کردند و ما توان جواب دادن نداشتیم. ما در 20 مرداد 1365، پالایشگاه نفتی الدوره عراق را زدیم. در این مقطع پنج موشک زدیم ولی به دلیل کارشکنی لیبیایی‌ها 35 روز توان پاسخ نداشتیم. لیبیایی‌ها 38 ایراد روی سکوی قطعات گذاشته بودند. بعضی از قطعات هم‌زمان با مذاکراتی از کره شمالی وارد شد.

به روایت محسن رضایی: «قذافی فکر کرده بود با دادن تعدادی موشک می‌تواند دل ما را به دست بیاورد و امام بعد از گذشت چند سال از انقلاب به او اجازه ملاقات می‌دهد که به ایران بیاید، بنابراین چندین موشک به همراه لانچر پرتاب و تعدادی کارشناس را به ایران فرستاد. همین که ما مشغول کار با آنها شدیم، شنیدیم که پادگانی که برایشان در نظر گرفته‌ایم را ترک کرده‌اند و به همراه قطعاتی از موشک‌ها به سفارت لیبی رفته‌اند، به طوری که نمی‌توان از موشک‌ها استفاده کرد. حسن و تیمش ظرف دو ماه این موشک‌ها را عملیاتی کردند و به محض اینکه عراق موشک زد، ما هتل الرشید را که محل تجمع دیپلمات‌ها بود زدیم».